

سند رابطه سیدضیاءالدین با دولت بریتانیا

در سوم اسفند 1299 کودتائی در ایران صورت گرفت که منشاء تأسیس سلسله پهلوی شد. طرح این کودتا را که سیدضیاءالدین و رضاخان قزاق به اجرا گذاشتند، وزارت مستعمره (هند) و وزارت جنگ بریتانیا ریختند، و ژنرال آیرون ساید (Ironside) فرمانده نیروهای برتانیا در شمال ایران هم مسئول در نظارت بر اجرای طرح شد.¹ در سند زیر، که از بایگانی وزارت خارجه بریتانیا استخراج شده، مستر نورمن، وزیر مختار بریتانیا در تهران (1920). در گزارشی که برای دولت متبوع خود می فرستد در واقع سیاستی را خلاصه می کند که سیدضیاءالدین و سلسله پهلوی در چند دهه بعد به اجرا گذاشتند. گزارش مستر نورمن (تهران) به ارل کرزن () در ساعت یازده و ربع شب 25 فوریه دریافت شد.²

تهران - 25 فوریه 1921، ساعت یازده و نیم دقیقه صبح، خیلی فوری به پیشنهاد سیدضیاءالدین، [احمد] شاه با صدور اعلامیه‌ئی عملاً کودتا را به خود نسبت داده و گفته است سیدضیاءالدین را با اختیارات تام به نخست وزیری گماشته تا به بحران مداوم کابینه و بی تصمیمی [های] اداری پایان دهد.

(خیلی خیلی محرمانه)

¹ درباره ی انتخاب رضاخان به عنوان مجری نظامی کودتا، نگاه کنید به مقاله بال، «یک خانواده، دو کودتا، یک سرنوشت.»

²FO /E 5429/38/34.

سید[ضیاءالدین] اظهارات محرمانهٔ زیر را دربارهٔ سیاست خود با من در میان گذاشته است:

او قصد دارد حتی‌المقدور از انتصاب وزیران اجتناب کند و وزارت خانه‌ها را در دست معاونان دائمی آنها باقی بگذارد.

قرارداد ایران و انگلیس (1919) باید رسماً مردود شناخته شود، بدون اعلام رسمی الغای این قرارداد دولت نمی‌تواند به کارپردازد. طرد این قرارداد همواره با اعلامیهٔ خواهد بود مبنی براین که چنین گامی به معنی خصومت بریتانیای کبیر نیست، و دولت جدید فی‌الفور تلاش خواهد کرد حسن نیت بریتانیا را جلب کند، که شرطی اساسی برای [ارائه] حیات ایران است.

اقدامات فوری در جهت انتصاب افسران و مستشاران بریتانیایی به مناصب نظامی، مالی، و اداری، براساس قراردادهای فردی صورت خواهد گرفت بی آن کمترین نشانی مبنی بر وجود قرارداد بین دو دولت وجود داشته باشد [کوشش خواهد شد] حداقل توجه به فعالیت های این افراد جلب شود.

رسماً اعلام خواهد شد که نظر دولت ایران بر این است که از کشورهای «گوناگون» اروپایی به ایران مستشار آورده شود. تعداد معدودی مستشار فرانسوی، آمریکائی، و حتی بعدها روس، دعوت خواهند شد تا در وزارتخانه‌های کم اهمیت خدمت کنند. نظر بر این است که حتی‌المقدور با دولت‌های خارجی دیگر از در آشتی درآیند و دود در چشم بلشویک‌ها و ناراضی‌های بومی بکنند، و در عین حال دو بخش مهم دولت را در

دست بریتانیایی‌ها قرار دهند. قرار است یک ارتش 5 هزار نفری در قزوین تشکیل شود و از سرهنگ هادلستون (Huddleston) خواسته خواهد شد که فرماندهی این ارتش را به عهده بگیرد. این ارتش جانشین قوای ما در جبهه [جنگ] با بلشویک خواهد شد.

به رئیس سوئدی پلیس دستور داده شده است که بر تعداد نفرات اش بیفزاید و یک نیروی پانصدنفری دیگر را سازمان دهد؛ در ظاهر این برای محافظت از سفارت های خارجی خواهد بود، اما در واقع هدف از آن نظارت بر فرستاده شوروی، پس از ورود و بطور کلی نظارت بر فعالیت‌های بلشویک‌ها خواهد بود.

به افسر فرمانده ژاندارمری دستور داده شده است که افسران ناراضی و بی‌لیاقت را برکنار کرده، افسران لایق‌تری را به جای آن‌ها بگمارد و در کل و نیروی خود سروسامان بدهد.

دولت جدید مایل است نظارت بر پلیس جنوب (SPR) را با [حفظ] قدرت کنونی‌شان اما با مخارج کمتر و با حداقل افسران انگلیسی، مثلاً ده تن، به دست گیرد.

سید سخت مشتاق است که افسران انگلیسی هنوز هم چند ماهی در قزوین بمانند تا قوای جدیدی که به سرعت به کمک افسران انگلیسی تربیت می‌شوند بتواند جای آن‌ها را بگیرند. او تاکید می‌کند که تمام آینده ایران و [نیز حضور] بریتانیای کبیر در ایران بسته به این است که به دولت جدید چندماهی فرصت داده شود تا به اقدامات دفاعی لازمی بپردازد که زمامداران قبلی به نحو جنایت آمیزی آن را نادیده گرفتند. او

در این مقطع سرنوشت‌ساز که در طی آن بسیار کوشش می‌شود که نظامی به اوضاع داده شود به اهمیت رفتار دلسوزانه با ایران [ایران سیدضیاء] تأکید می‌ورزد.

دولت جدید امیدوار است که از زندانیان ثروتمندتر بعضاً از بابت مالیات‌های معوق مبالغ زیادی اخذ کند، و بدین طریق مخارج اولین اقدامات نظامی و اداری خود را تأمین کند. دولت امیدوار است پس از آن که دولت و فحیمه بریتانیا به صمیمیت و انجام‌پذیری این اقدامات ایمان آورد، تسهیلات [لازم] را برای اعطای کمک مالی فراهم خواهد آورد.

سیدضیاءالدین گفت، به منظور پرهیز از دشمنی کنونی دولت روسیه شوروی، نهایت اهمیت دارد که سرشت انگلوفیل (ضدبلاشویکی) این دولت جدید حتی‌المقدور در حال حاضر پنهان بماند.

در خاتمه، او گفت که اگر بریتانیای کبیر مایل است موقعیت خود را در ایران حفظ کند، باید ظاهر را فدای باطن کند، در پس پرده بماند، به [دولت] ایران به نحوی مؤثر، اما به دور از تظاهر، کمک کند. او اطمینان داد که این سیاست سرانجام تمام امتیازاتی را که بریتانیا انتظار داشت که از طریق یک قرارداد غیرعملی [قرارداد 1919] به دست آورد، برای او تأمین خواهد کرد. (به هند، بغداد و فرمانده کل قوا، شماره 58 هم تلگراف شد).